



(۲۹)

اسلام و آزادی مذهبی

در شماره های گذشته منطق آئین یهود و مسیحیت ، و روش عملی پیروان آنها را درباره « آزادی مذهبی » دیدیم ، اینک میخواهیم منطق اسلام و روش عملی پیروان آن را مورد بررسی قرار دهیم :



اسلام ، برای تحقق بخشیدن به اصل « آزادی مذهبی معقول » از راه های گوناگونی اقدام میکند :

۱- اقناع وجدان

عقاید قلبی و معتقدات مذهبی اشخاص ، روی علل و مقدمات خاصی بوجود میآید ، طرز ساختمان جسمی و ترکیبات بدنی ، شرائط زمانی و مکانی زندگی افراد ، نحوه تغذیه و تعلیم و تربیت ، و صدها عوامل دیگر ، هر کدام به نوبه خود ، در بوجود آوردن افکار و عقائد و مرامهای گوناگون ، اثرات غیر قابل انکاری دارند ، و برای تغییر و اصلاح آن ، بایستی از همان طرق طبیعی یعنی : راه منطق و استدلال ، و تعلیم و تربیت صحیح ، و اقناع وجدان ، وارد شد ، نه اجبار و فشار .

زیرا اکراه و اجبار ، نمیتواند ، عقائدی را که روی علل خاصی در حوزه فکر انسان ، پدید آمده از بین به برد و به اصطلاح طبیعت اعتقادات قلبی ، طوری است که اکراه و اجبار ، بر نمیدارد و غیر قابل اکراه است .

نهایت چیزی که از آن حاصل میشود ، ازدیاد روح عداوت و تقویت کینهکسها و عقده ها است که در صورت از بین رفتن موانع ، خطرات جبران نا پذیر ، و عکس-

العملهای خطرناکی بدنبال دارد .

قرآن در آیات زیادی باین حقیقت تصریح میکند :

لا اِکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی : در دین، اکراه و اجبار نیست ، زیرا راه سعادت و کمال ، از گمراهی و ضلالت ، باز شناخته شده است (۱)

ولو شاء ربک لآمن من فی الارض کلهم جمیعا افانت تکره لئناس حتی یکونوا مؤمنین
اگر پروردگارت بخواهد ، همگی مردم روی زمین ، ایمان میآوردند ، آیا تو برای آنکه مردم ، ایمان بیاورند ، میخواهی آنان را مجبور کنی ؟ (۲)

خداوند، در تعقیب همین منظور ، در آیات چندی به پیغمبرش دستور میدهد که :
تو برای نشان دادن راه حق از باطل و ارشاد خلق فرستاده شده‌ای نه بمنظور در فشار قرار دادن مردم و اجبار و اکراه آنان و هرگاه گوش به حرفهای تو ندادند ، ناراحت مباش ، هر کس ثمرات زشت و زیبایی عملش را خواهد دید .

« بگو : این حق از پروردگار شماست ، هر که خواهد ایمان بیاورد ، و هر که خواهد منکر شود که ما برای ستمکاران ، آتشی فراهم کرده‌ایم » (۳)

« ما به آنچه که کفار میگویند ، دانا تریم ، لیکن تو نسبت به آنها جبار و در فشار قرار دهنده نیستی ، پس آنها را که از عذاب خدا ترسانند بوسیله قرآن پند ده » (۴)

« پند بده ، وظیفه تو تنها تذکر است ، تو بر آنها حق اکراه و اجبار نداری » (۵)
« از جانب پروردگار شما شواهد و دلائلی برای یافتن حق ، آمده است ، پس هر کسی در پرتو این شواهد و دلائل ، راه حق را به بیند ، بنفع خویش دیده و هر کس از مشاهده آن ، دیده بربندد ، بزبان خود کوشیده است و من مراقب اعمال و مسئول افعال شما نیستم » (۶)

و در سوره یونس میگوید : « وان کذبوک فقل لی عملی ولکم عملکم انتم بریتون
مما عمل وانابریء مما تعملون - اگر ترا تکذیب کردند ، بگو عمل من خاص من است و عمل شما خاص شماست ، شما از عملی که من میکنم بیزارید و من نیز از اعمالی که شما میکنید ، بیزارم (۷) .

۱ - سوره بقره آیه ۲۵۶ (۲) سوره یونس آیه ۹۹

۳ - وقل الحق من ربکم فمن شاء فلیؤمن ومن شاء فلیکفر انا اعتدنا للکافرین نارا
(سوره کهف آیه ۲۹)

۴ - نحن اعلم بما یقولون وما انت علیهم بجبار فذکر بالقرآن من یخاف وعید
(سوره ق آیه ۴۵)

۵ - فذکر انما انت مذکر لست علیهم بمصیطر (سوره غاشیه آیه ۲۲)

۶ - سوره انعام آیه ۱۰۴ (۷) سوره یونس آیه ۴۱

و در سوره شوری نیز میفرماید: « و برای برقراری وحدت کلمه، دعوت کن ، و چنانکه خدا فرمانت داده ، استوار باش و از هوسهایشان پیروی مکن ، و بگو : بفرمانی که خدا نازل کرده است ، ایمان دارم ، و فرمان یافته‌ام که میان شما عدالت کنم ، خدای یکتا پروردگار ما و شما است ، اعمال ما خاص ما است و اعمال شما خاص شما است ، خصومتی میان ما و شما نیست ، خدا ما و شما را جمع خواهد کرد ، و سرانجام ، سوی اوست » (۱)

وظیفه رسالت

اسلام وظیفه پیامبر و پیروانش را این میدانند که در مقام ارشاد و هدایت دیگران برآیند لیکن هنگام بحث و مناظره با آنان ، سعی کنند گفتارشان ، بر اساس تعقل و استدلال وقانع کردن وجدان آنان ، استوار باشد ، نه جار و جنجال و خشونت ناشی از تعصبات بیجا .

ولا تجادلوا اهل الکتاب الا بالتی هی احسن — با اهل کتاب ، جز با بهترین و مؤثر ترین روشها بحث و مناظره نکنید (۲)

ادع الی سبیل ربک بالحقمة والموعظة الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن — مردم را (تنها) از راه برهان و دلیل روشن ، و پند و نصیحت نیکو ، بسوی خدایت دعوت کن ، و با آنان تنها با نیکوترین روش به بحث و مناظره به پرداز (۳)

و چنانکه منطق اسلام آنها را قانع نکرد و یا حاضر نشدند از عقیده و مرام خود دست بردارند ، پیامبر اسلام ، نباید آنان را در فشار قرار دهد و مجبور به ترك مرامشان نماید ، او با منطق گویا و دلائل روشن خود ، وظیفه رسالت خویش را انجام داده است :

فان حاجوک فقل اسلمت وجهی لله و من اتبعن و قل للذین اوتوا الکتاب و الامیین اسلمتم فان اساموا فقد اهتدوا وان تولوا فانما علیک البلاغ والله بصیر بالعباد — اگر با تو مواجه کردند ، بگو : من روح خود و پیروانم را بخدا تسلیم کرده‌ام ، و به اهل کتاب و مشرکین بگو : آیا اسلام آورده‌اید ؟ اگر اسلام آورده‌اند ، هدایت یافته‌اند و اگر پشت کردند ، تو بوظیفه تبلیغی خود عمل کرده‌ای ، خدا بندگانش را می‌بیند (۴)

و در آیات زیر وظیفه پیامبر را اینطور خلاصه میکند :

(۱) سوره شوری آیه ۱۵
 ۲ — سوره عنکبوت آیه ۴۶ (۳) سوره نحل آیه ۱۲۵ (۴) آل عمران آیه ۲۰

« وظیفه پیغمبر، جز تبلیغ و ارشاد نیست، خدا آنچه را که آشکار کنید و یا نهان دارید، میداند » (۲)

« فرمان خدا و پیامبرش را اطاعت کنید و از نافرمانی برحذر باشید، اگر پشت کردید، بدانید وظیفه پیغمبر، جز تبلیغ روشن نیست » (۳)
 « اگر از تو روبرگردانند، ما ترا بر آنها نگهبان و مسئول اعمالشان قرار نداده‌ایم » (۴)

این نوع آیات، درست مسئله « تفتیش عقائد » را که ارباب کلیسا در برابر پیروان مذاهب دیگر، اعمال میکردند، تقبیح میکند و صریحاً اعلام میدارد که این نوع فشارها هرگز نمیتواند افکار و عقائدی را که روی علل خاصی در افراد، پدید آمده است، تغییر دهد و لذا نه پیامبر و نه دیگر آحاد مسلمین، حق ندارند، این راه غلط و غیر عاقلانه را انتخاب نمایند، وظیفه آنها تنها روشن کردن حقائق و ارشاد خلق است.
 دنباله این بحث را در شماره های آینده خواهید خواند.

۲ - و ما علی الرسول الا البلاغ والله يعلم ما تبون و ما تکتون (مائده آیه ۹۹) (۳) مائده آیه ۹۳ (۴) سوره شوری آیه ۴۸

کشف میکروب در ۱۳۵۰ سال پیش!؟

آیا پاستور برای اولین بار پی بوجود میکروب برد؟ خیر اگر باور ندارید نهج البلاغه علی (ع) را باز کنید و این جملات را در آنجا بخوانید.

پروردگارا آنچه را که آفریده‌ای و با چشم خود آنها را مینگریم ما را از قدرت تو بحیرت می‌آورد و تمام آنها را نشانه‌ای از قدرت بی‌پایان تو میدانیم و نیز موجوداتی آفریده‌ای که از چشم ما نهفته است و یا چشم های ما از دیدن آنها عاجز و عقل های ما از درک آنها ناتوان و پرده های غیب آنها را از ما پوشانده است.
 موجودات ناپیدا از مخلوقاتیکه مشاهده می‌کنیم بمراتب عظیم‌تر است.